

## تحلیل اعجاز غیبی آیات ابتدایی سوره روم و پاسخ به شبهات

حسین هنرخواه<sup>۱</sup>

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از شواهد اعجاز قرآن پیشگویی‌های آن است که خبر مذکور در آیات دوم تا چهارم سوره روم یکی از برجسته‌ترین مصادیق آن‌ها است. در این آیات به پیروزی رومی‌ها بر ایرانی‌ها- و بنا بر احتمالی دیگر، به شکست رومی‌ها در برابر مسلمانان- با ذکر زمان تقریبی وقوع آن، اشاره شده است. برخی نویسندگان، بر معجزه بودن این خبر غیبی شبهاتی وارد کرده‌اند. پژوهش حاضر، با هدف تبیین و اثبات این پیشگویی و پاسخ به شبهات مذکور، به روش تحلیلی- انتقادی به این نتیجه دست یافته است که اصل صدق «پیشگویی» بر آیات مذکور، خواه در مکه نازل شده باشد و یا در مدینه، ابهامی ندارد، و از آنجا که در قرآن خبرهای مختلفی از آینده وجود دارد که به درستی محقق شده است، نمی‌توان وقوع پیشگویی‌های قرآن را تصادفی دانست، بلکه منشأ آگاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به آینده به طور عام، و نسبت به خبر پیروزی رومیان یا مسلمانان، ارتباط با عالم غیب و ملکوت است و هر پیشگویی که قبل یا مقارن آن با ادعای نبوت همراه باشد، به استناد حکمت الهی و قبح اضلال بندگان، نشانه صدق مدعی نبوت است.

**واژه‌های کلیدی:** اعجاز غیبی، پیش‌گویی، خارق عادت، آیات ابتدایی سوره روم.

۱. دانش آموخته سطح چهار رشته کلام اسلامی مؤسسه امام صادق علیه السلام قم. رایانامه:

ayat.honarkhah@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول). رایانامه: soleimani@isca.ac.ir

اندیشمندان اسلامی برای اثبات اعجاز قرآن، دلائل و شواهد فراوانی اقامه کرده‌اند. از جمله این شواهد، اخبار غیبی قرآن است. یکی از مصادیق اخبار غیبی، پیشگویی برخی از حوادث آینده است. برجسته‌ترین پیشگویی قرآن، آیات دوم تا چهارم سوره روم است که پیروزی رومیان بر ایرانی‌ها را پیشگویی کرده است: ﴿غُلِبَتِ الرُّومُ \* فِي أَذَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيَغْلِبُونَ \* فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (روم: ۲-۴).

پیشگویی مذکور در این آیات، از منظر مفسران (طوسی، بی تا، ۸: ۲۲۸؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۵: ۸۰) و متکلمان اسلامی (آمدی، ۱۴۲۳ق، ۴: ۷۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۱۴) یکی از مصادیق اعجاز غیبی قرآن به شمار می‌رود. برخی نویسندگان معاصر با طرح شبهاتی، در معجزه بودن این پیشگویی تردید کرده‌اند (ر.ک: میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۶۷-۱۷۰). این مقاله با بررسی آیات مورد نظر، در صدد تثبیت دیدگاه مفسران و متکلمان، و پاسخ به شبهات مذکور است.

درباره این آیات، مقالات متعددی نوشته شده است که عبارتند از: ۱. حسین رضایی و مجید معارف در «رویکرد شبهه پژوهانه به تفسیر تاریخی آیات مربوط به پیشگویی غلبه روم بر ایران» به شبهات نویسنده کتاب «نقد قرآن» درباره اعجاز آیات مذکور پاسخ داده‌اند؛ ۲. سید ضیاء الدین علیانسیب و عزیزه اصغری در «تفسیر پیشگویی قرآن از پیروزی روم بر فارس» هفت محور اختلافی درباره آیات مورد نظر را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ ۳. محمدحسین واثقی راد در «بررسی دیدگاه مفسران در خصوص آیات نخست سوره روم» با بی‌اعتبار دانستن روایات منابع اهل سنت ناظر به این آیات، با محوریت روایات منابع شیعه این آیات را تفسیر کرده است؛ ۴. اسماعیل سلطانی بیرامی و محمد امیدیان در «بررسی پیش‌گویی قرآن بر اساس قرائات گوناگون آیات ابتدایی سوره روم» به بررسی قرائت‌های مختلف این آیات پرداخته‌اند؛ ۵. احمد احمدی در «تفسیر قرائتی دیگر از آیات اول سوره روم»، با ذکر قرائتی، معتقد است آیات مورد بحث، پیروزی مسلمانان بر رومیان را پیشگویی کرده است. نوآوری مقاله حاضر، تمرکز بر شبهات کتاب «رساله انتقادی در باب اعجاز قرآن» (میرباقری، ۱۳۹۸) است که تا کنون مقاله‌ای در پاسخ به آن نوشته نشده است.

## ۱. مبانی نظری تحقیق

### ۱-۱. غیب و خبر غیبی

واژه «غیب» در لغت به چیزی اطلاق می‌شود که از چشم‌ها پوشیده باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴: ۴۰۳؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۶۱۶) و سپس بر هر چیزی که از قلمرو حواس انسان بیرون باشد، «غیب» اطلاق می‌شود (راغب، همان). از این رو، به خبرهایی که برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قوم وی غائب باشد، «خبر غیبی» گفته می‌شود (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۰ق، ۶: ۱۸۶) زیرا چنین خبری با حواس ظاهری انسان قابل درک نیست.

### ۱-۲. خبر غیبی خارق عادت

اخبار غیبی به اعتبار زمان به سه قسم گذشته، حال و آینده تقسیم می‌شود:  
(الف) اگر خبر مربوط به زمان گذشته باشد، معمول و متعارف آن است که علم به چنین وقایعی از طریق حضور خود شخص در مکان وقوع و یا رجوع به گزارشات تاریخی معتبر حاصل می‌شود. حال اگر کسی بدون حضور در مکان وقوع و یا نقل معتبر، نسبت به وقوع آن به طور صریح و جازم خبر داده باشد و آن خبر هم مطابق با واقع باشد، در چنین صورتی، این خبر، خارق عادت خواهد بود.

(ب) اگر خبر مربوط به زمان حال باشد، و شخص در مکان وقوع حضور نداشته باشد، و از طریق نقل معتبر هم از آن آگاه نشود، با این حال از آن، خبر مطابق واقع داده باشد، این خبر نیز خارق عادت است.

(ج) اگر خبر غیبی مربوط به زمان آینده باشد، و نشانه‌ای بر وقوع آن وجود نداشته باشد، و اسباب عادی هم نسبت به پیشگویی آن ناتوان باشد، در این صورت اگر کسی از وقوع آن در آینده خبر بدهد، چنین خبری خارق عادت است؛ با این قید که خارق عادت بودن آن منوط به تحقق زمان موعود و تحقق پیشگویی در خارج است (ر.ک: حلبی، ۱۴۰۴ق: ۱۶۸). پس شروط خارق عادت بودن خبر دادن از آینده (پیشگویی) عبارتند از:  
۱. نبودن نشانه‌ای بر وقوع؛ ۲. ناتوانی اسباب عادی نسبت به پیشگویی آن؛ ۳. وقوع واقعه مطابق با خبر.

### ۱-۳. معجزه

معجزه امر خارق العاده‌ای است که با اذن تکوینی خاص خداوند<sup>۱</sup> برای فردی که مدعی منصب ویژه‌ای از سوی خداوند (مانند نبوت، امامت و حقانیت در عقیده و آیین)

۱. اذن به دو قسم تکوینی و تشریعی تقسیم می‌شود (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲، ۷: ۱۸۸-۱۹۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۴: ۳۳۶؛ همو، ۱۳۹۵، ۳۷: ۳۳۸). اذن تکوینی مربوط به وقوع اشیاء در خارج، و اذن تشریعی ناظر به احکام فقهی است که توسط خداوند قانون

است، انجام می‌شود، تا ادعای او را اثبات کند (ربانی گلیپاگانی، ۱۴۰۴ق [ب]، ۱۶۱؛ نیز ر.ک: همو، ۱۳۹۵: ۳۸۱؛ بلاغی، بی‌تا، ۱: ۳).

#### ۴-۱. نسبت خبر غیبی و معجزه

بین خبر دادن از غیب و اعجاز، نسبت «عموم من وجه» برقرار است؛ یعنی: ۱. هر خبر غیبی لزوماً معجزه نیست؛ چنان‌که اگر شخص پیشگو، ادعای منصب الهی نداشت، چنین پیشگویی‌ای معجزه نخواهد بود؛ زیرا - چنان‌که گفته شد - معجزه امر خارق العاده‌ای است که با اذن تکوینی خاص خداوند برای فردی که مدعی منصب ویژه‌ای از سوی خداوند است، انجام می‌شود تا صدق ادعای او ثابت شود؛ ۲. هر معجزه‌ای از سنخ خبر غیبی نیست، و این مطلب هم واضح است؛ ۳. برخی اخبار غیبی، معجزه‌اند و این، در جایی است که آوردن خبر غیبی، همزمان یا بعد از ادعای نبوت (یا هر منصب الهی دیگر) باشد (علامه حلی، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

#### ۲. اثبات اعجاز پیشگویی پیروزی رومیان بر ایرانیان

سوره روم در سال دوازدهم بعثت بر پیامبر ﷺ نازل شد (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۱: ۶). با توجه به اینکه پیامبر اکرم ﷺ در سال عام الفیل برابر با سال ۵۷۰ میلادی به دنیا آمد (غزالی، ۱۴۲۷ق، ۱: ۶۱)، و در چهل سالگی یعنی اواخر سال ۶۰۸ تا ۶۰۹ میلادی (با احتساب اینکه هر سال قمری ۱۰ روز و ۲۱ ساعت از سال میلادی کمتر است) (زیدان، ۱۹۱۴م، ۱: ۴۳؛ رضایی و معارف، ۱۴۰۱ق: ۳۷۴) به پیامبری مبعوث شد، بنابراین تاریخ نزول سوره روم برابر با سال ۶۲۰ میلادی است. از طرفی، رومیان تا قبل از سال ۶۲۰ میلادی، به مدت ۱۳ سال پی در پی از ایرانی‌ها شکست می‌خوردند.<sup>۱</sup> جنگ‌های میان ایرانیان و رومیان و شکست رومیان بدین شرح است:

۱. سال ۶۰۷ میلادی، شکست «دومنزیولو»<sup>۲</sup> سردار رومی از ایران؛

۲. سال ۶۰۹ میلادی، سقوط «اِیسا» و «مرمره» به‌دست ایرانیان؛

گناری می‌شود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۴: ۳۳۶).

۱. نویسنده کتاب «رساله انتقادی در نقد اعجاز قرآن» معتقد است، اثبات پیشگویی‌های قرآن نیاز به یک مرجع خارجی اطمینان آور دارد (میرباقری، ۱۳۹۶: ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۳). از این رو، برای پاسخ به اشکال ایشان دو منبع، محور قرار گرفته است: ۱. مقاله «تاریخ رسمی لشکرکشی‌های هراکلیوس به ایران» در کتاب: «ارتش روم و بیزانس در شرق» نوشته ادوارد دابووا تاریخ‌شناس لهستانی و استاد تاریخ باستان دانشگاه یانگولوا که معتبرترین مؤسسه دانشگاهی لهستان است؛ ۲. کتاب «تاریخ انحطاط و سقوط امپراطوری روم» نوشته ادوارد گیون که اطلاعات مندرج در آن در خصوص تاریخ جنگ‌های ایران و روم، مطابق با منبع اول است.

۳. سال ۶۱۱ میلادی، سقوط «انطاکیه» و «ایمسا» به دست ایرانیان؛
  ۴. سال ۶۱۲ میلادی پیروزی موفق روم در «قیصریه» و «ارمنستان» و سپس عقب رانده شدن آن‌ها به دست ایرانیان؛
  ۵. سال ۶۱۳ میلادی شکست امپراتور روم از ایرانیان در «انطاکیه» و از دست دادن «سیسیل»؛
  ۶. بین ۶۱۳ تا ۶۱۴ میلادی پیروزی متعدد ایرانیان در مصر، سوریه، فلسطین و آفریقا؛
  ۷. سال ۶۱۴ میلادی، سقوط «اورشلیم» به دست ایرانیان؛
  ۸. سال ۶۱۶-۶۱۷ میلادی، تصاحب مصر، اسکندریه و لیبی به دست ایرانیان (see: Dabrowa, 1994, p. 57- 58; Gibbon, 1838, p. 133- 190)
- و اما نتایج جنگ‌های میان رومیان و ایرانی‌ها بعد از نزول سوره روم و بعد از سال ۶۲۰ میلادی بدین شرح است:
۱. سال ۶۲۳ میلادی: شکست «شهرت‌راز» سردار ایرانی از هراکلیوس امپراتوری روم؛
  ۲. سال ۶۲۴ میلادی: سقوط ارمنستان ایران به دست رومیان و به دنبال آن اشغال آذربایجان؛
  ۳. سال ۶۲۵ میلادی: حمله سپاه ایران به رومیان و شکست نسبی سه سردار ایرانی؛
  ۴. سال ۶۲۷-۶۲۸ میلادی: محاصره طولانی و ناموفق «قسطنطنیه» به دست ایرانیان؛
  ۵. سال ۶۲۹ میلادی: قبول قرارداد صلح توسط ایران و بازگرداندن سرزمین‌های روم به آن، شامل سوریه، فلسطین، اورشلیم و مصر (همان).
- بر این اساس روشن می‌شود که تا قبل از سال ۶۲۰ میلادی، امپراتوری روم پی در پی از ایرانیان شکست خورده است. در چنین شرایطی قرآن پیروزی رومی‌ها را پیشگویی و نسبت به زمان تقریبی آن، واژه «بضعة» (معادل ۳ تا ۹ سال) را به کار برد. سه سال پس از نزول سوره روم، یعنی سال ۶۲۳، پیروزی‌های رومیان در برابر ایرانیان شروع شد و شش سال بعد، یعنی در سال ۶۲۹ مصادف با فتح مکه، پیروزی نهایی تحقق پیدا کرد.
- نتیجه اینکه اولاً: این خبر خارق عادت است، زیرا در آن، ملاک سه گانه‌ای که برای خارق عادت بودن یک پیشگویی لازم است (نبودن نشانه‌ای بر وقوع؛ ناتوانی اسباب عادی نسبت به پیشگویی آن؛ وقوع واقعه مطابق با خبر)، وجود دارد. و ثانیاً: از آنجا که این پیشگویی، بعد از ادعای نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، معجزه بودن آن نیز ثابت می‌شود.

### ۳. پاسخ به شبهات

برخی نویسندگان معاصر، با طرح شبهاتی، معجزه بودن این خبر غیبی قرآن را انکار کرده‌اند که در ادامه، بررسی می‌شود.

#### ۳-۱. ناسازگاری با برخی اخبار شأن نزول

**تقریر شبهه:** اخبار مربوط به شأن نزول آیات ابتدایی سوره روم، مختلف و متناقض‌اند، و قول رایج مبنی بر نزول این آیات در مکه پس از شکست روم از ایران، تنها یکی از احتمالات مذکور در این اخبار است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۶۹). از این رو، سبب نزول این آیات در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و وثاقت سبب نزول مختارِ اعجاز‌باوران مخدوش است (همان: ۱۷۰).

**پاسخ شبهه:** اخبار مربوط به شأن نزول آیات ابتدایی سوره روم به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱. اخباری که آیات ابتدایی سوره روم را ناظر به پیشگویی پیروزی رومیان بر ایرانیان می‌داند، بدون آنکه زمان وقوع آن را ذکر کند (ر.ک: طبری، ۱۴۲۱ق، ۲۱: ۱۲؛ طوسی، بی‌تا، ۸: ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۸: ۴۶۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۶۶)؛ ۲. اخباری که پیروزی رومیان بر ایرانیان را مصادف با روز پیروزی مسلمانان بر مشرکان در جنگ بدر دانسته است (ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۵: ۳۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۱: ۱۵)؛ ۳. اخباری که پیروزی رومیان بر ایرانیان را مصادف با صلح حدیبیه می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۱: ۱۴-۱۵؛ همو، ۱۸۷۹م، ۱: ۵۹۵)؛ ۴. خبری که این آیات را ناظر به پیشگویی پیروزی مسلمانان بر ایرانیان می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۲۶۹).

**بررسی اخبار دسته دوم:** از آنجا که شبهه‌کننده با تمسک به اخبار دسته دوم، اشکال خود را تقریر کرده است، در ادامه، بر این دسته از اخبار تمرکز می‌شود. راوی این دسته اخبار، ابوسعید خدری است. برای دستیابی به نظر صحیح، ابتدا مضمون این اخبار، و سپس سند و دلالت آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**خبر اول:** نصر بن علی جَهْضَمی و مُعْتَمِر بن سلیمان از پدرش از سلیمان اعمش از عطیه از ابوسعید خدری چنین نقل می‌کند که در روز بدر، روم بر فارس پیروز شد و مؤمنان از این پیروزی تعجب کردند. سپس آیه «الْمَ غَلَبَتِ الرُّومُ» تا «يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ» نازل شد. وی گفت: مؤمنان بخاطر پیروزی رومیان بر فارس خوشحال شدند (ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۵: ۳۴).

**خبر دوم:** محمد بن مُثَنّی از یحیی بن حمّاد، از ابوعوانه از سلیمان از عطیه از ابوسعید خدری چنین نقل می‌کند: زمانی که روز بدر فرا رسید، روم بر فارس پیروز شد، و

مسلمانان از این پیروزی خوشحال شدند. سپس خداوند آیه ﴿الْمَغْلَبَتِ الرُّومُ﴾ تا آخر آیه را نازل کرد (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۱: ۱۵).

**خبر سوم:** یحیی بن ابراهیم مسعودی از پدرش از جدش از اعمش از عطیه از ابوسعید چنین نقل می‌کند: چون که روز بدر فرا رسید، روم بر فارس پیروز شد. مؤمنان از این پیروزی خوشحال شدند، بخاطر اینکه رومیان اهل کتاب بودند، سپس خداوند آیه ﴿الْمَغْلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ﴾ را نازل کرد (همان).

مضمون و محتوای شأن نزول ذکر شده آن است که پیروزی رومیان بر فارس و پیروزی مسلمانان بر مشرکان در جنگ بدر، در یک روز رخ داده است، از این رو، فعل «غَلَبَتْ» به فتح «لام» یعنی ماضی معلوم خوانده می‌شود: «غَلَبَتِ الرُّومُ» و فعل «سَيَغْلِبُونَ» به ضم «یاء» و فتح «لام»؛ یعنی به صورت مجهول خوانده می‌شود: «سَيَغْلِبُونَ» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۰۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ۸: ۳۷۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۱: ۵) که در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: «روم پیروز شد. و آنان (بعد از پیروزی شان بر فارس) به زودی مغلوب [مسلمانان] خواهند شد» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۶۷؛ سیوطی، بی تا، ۱۵۳).

**بررسی سندی اخبار دسته دوم:** از آنجا که این اخبار در منابع اهل سنت ذکر شده است، سند آنها با محوریت منابع رجالی آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

**خبر اول:** نصر بن علی جَهْضَمی (ابن ابی حاتم، بی تا، ۴: ۴۷۱)، معتمر بن سلیمان (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۶: ۴۶۵)، سلیمان بن طَرْخان تیمی (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۷: ۱۸۸) و سلیمان بن مهران اسدی (مزی، ۱۴۰۶ق، ۱۲: ۸۵) ثقه هستند. عطیه کوفی در منابع رجالی اهل سنت از سوی احمد بن حنبل، ابوحاتم و نسائی «ضعیف» توصیف شده است (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۱۰۰-۱۰۱). کثرت خطا، شیعه بودن و تدلیس، ویژگی‌هایی است که درباره وی ذکر شده است (عسقلانی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۳). با این حال، جماعتی از ثقات، احادیث او را نقل کرده‌اند (ر.ک: ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۳۶۹). «صالح بودن» (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۱۰۱) و «راست گویی» (عسقلانی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۳) از جمله ویژگی‌های وی ذکر شده است.

از عبارت احمد بن حنبل بدست می‌آید که دلیل ضعف وی، مدّلس بودن است (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۱۰۱). تدلیس در جایی به اعتبار خبر خدشه وارد می‌سازد که عطیه در نقل خبر به کنیه ابوسعید اکتفا کند، اما وقتی خبر را از ابوسعید خدری نقل کند، مصداق تدلیس نخواهد بود (ربانی گلیپگانی، ۱۴۰۴ق [الف]، ۱: ۱۳۶). از سه خبر مذکور،

در دو خبر، عطیه خبر را با کنیه ابوسعید خدری نقل می‌کند. این دو خبر قرینه‌ای است که مراد از ابوسعید در خبر سوم، ابوسعید خدری است.

همچنین تشیع وی نمی‌تواند به عنوان قدح به شمار رود، زیرا بر اساس سخن ذهبی، اگر روایات به دلیل شیعه بودن راوی کنار گذاشته شود، بسیاری از آثار نبوت از بین خواهد رفت و این مفسده‌ای بزرگ است (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۱۱۸).

باتوجه به نکات یاد شده و با در نظر گرفتن موازین مورد قبول لاقول عده‌ای از عالمان اهل سنت، می‌توان گفت خبری که عطیه در سندش باشد، حسن (ر.ک: ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۱۰: ۲۵ و ۳۵، پاورقی) است. به همین دلیل، ترمذی پس از ذکر خبر اول، آن را حدیث «حسن غریب»<sup>۱</sup> توصیف نموده است (ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۵: ۳۴) و خبر حسن اگر معارض اقوی نداشته باشد، معتبر است (ربانی گلیپگانی [الف]، ۱۴۰۴، ۱: ۱۳۷).

سعد بن مالک بن سنان معروف به ابوسعید خدری از افاضل انصار است که روایات زیادی را از پیامبر اکرم ﷺ حفظ نموده است و برخی صحابه مانند جابر بن عبدالله و عبد الله بن عباس از او روایت نقل کرده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۹۲)، وی نیز از ثقات محسوب می‌شود (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۳: ۱۵۰).

**خبر دوم:** محمد بن مثنی (عسقلانی، ۱۴۱۱ق: ۵۰۵)، یحیی بن حماد (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۰: ۱۳۹) ابوعوانه - وضاح مولی یزید بن عطا - (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۷: ۲۱۱) ثقه هستند.

**خبر سوم:** یحیی بن ابراهیم مسعودی راستگو و ثقه است (مزی، ۱۴۰۶ق، ۳۱: ۱۸۷). نام ابراهیم بن محمد در کتاب رجالی اهل سنت یافت نشده است. محمد بن ابی عبیده نیز ثقه است (همو، ۱۴۰۶ق، ۲۶: ۷۶).

نتیجه اینکه، فقط اعتبار خبر سوم با مشکل مواجه است. دو خبر اول نیز به دلیل حضور عطیه در سند آن، حسن است که اعتبار آن مشروط به نبودن معارض اقوی است. شایان ذکر است که اگر رجال این اخبار با محوریت منابع رجالی شیعه مورد بررسی قرار بگیرد، اثبات اعتبار این اخبار با مشکل مواجه است؛ زیرا نصر بن علی جهضمی و معتمر بن سلیمان و سلیمان بن طرخان در خبر اول، و ابوعوانه و معتمر بن سلیمان در خبر دوم، و یحیی بن ابراهیم و ابراهیم بن محمد و محمد بن ابی عبیده در خبر سوم، یا نامشان در کتب رجالی شیعه وجود ندارد و یا اوصاف آنان ذکر نشده است.

۱. اصطلاح «غریب» به این معناست که روایت از نظر تعداد نقل کنندگان، مفرد و تک روای است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۴ق: ۲۶۷). در اخبار مورد بحث، راوی اخبار ابوسعید خدری است.

**بررسی دلالتی اخبار دسته دوم:** اخبار ابو سعید خدری با دو دسته از اخبار در

تعارض است:

**دسته اول:** اخباری که بر مکی بودن سوره روم تصریح دارند و هیچ آیه‌ای را استثنا نکرده‌اند (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۵۶-۶۰؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ۲۸۰: ۳۰۰). این اخبار علاوه بر معرفی سور مکی و مدنی قرآن، آیاتی که از هر دو دسته استثناء شده را نیز معرفی می‌کنند؛ یعنی آیات مدنی‌ای که در سوره مکی قرار گرفته و یا آیات مکی‌ای که در سوره مدنی جای گرفته است. اخبار مورد نظر پس از مکی دانستن سوره روم، هیچ آیه‌ای را استثنا نکرده‌اند. به همین دلیل، همه مفسران نسبت به اینکه تمام آیات سوره روم مکی است، تصریح کرده و نسبت به آن اتفاق نظر دارند (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۱: ۵).

به عنوان مثال در یکی از این اخبار، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی از ابوعبیده معمر بن مثنی از یونس بن حبیب از ابی‌عمرو بن علا از مجاهد از ابن عباس روایتی را نقل می‌کند که در آن، سوره روم به عنوان سوره مکی معرفی شده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۵۷-۵۸). ابوحاتم (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۸: ۲۹۳)، ابوعبیده (همو، ۹: ۱۹۶)، یونس (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۵۹۶)، ابی عمرو (مزّی، ۱۴۰۶ق، ۳۴: ۱۲۳)، مجاهد (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۴: ۴۴۵؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق: ۵۲۰) و عبدالله بن عباس (ابن اثیر، ۱۴۲۴ق، ۳: ۲۹۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۷۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۹؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۳: ۲۰۷) همگی توثیق شده‌اند. از این رو، برخی سند این حدیث را «جید» و راویان آن را از ثقات معرفی می‌کنند (الانقان، ۱۴۲۱ق، ۱: ۵۷؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۸۱).

از طرف دیگر مطابق اخبار ابوسعید خدری، آیات ابتدایی سوره روم مدنی است؛ زیرا مضمون این اخبار آن است که پیروزی رومیان بر ایرانیان در روز بدر اتفاق افتاده است. روز بدر نیز در هفدهم ماه مبارک رمضان سال دوم هجرت رخ داده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۵-۱۹؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۳). با توجه به آنکه جنگ بدر شانزده ماه پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه به وقوع پیوست (قمی، ۱۳۶۳، ۱: ۲۷۱)، بایستی آیات ابتدایی سوره روم از جمله آیاتی باشد که در مدینه نازل شده است. از این رو، میان این دو دسته از اخبار تعارض به وجود می‌آید؛ زیرا مطابق اخبار ابوسعید خدری، آیات ابتدایی سوره روم مدنی است، و بنابر اخبار دسته دوم که عمده آنان از ابن عباس نقل شده (معرفت، ۱۴۱۰ق، ۱: ۱۳۳)، این آیات مکی است.

**دسته دوم:** اخباری که مضمون آن، مصادف بودن پیروزی رومی‌ها بر ایرانی‌ها بعد از

مرگ خسرو پرویز، با صلح حدیبیه است:

۱. طبری از عطاء خراسانی از یحیی بن یعمر چنین نقل می‌کند: خسرو پرویز «شهربراز» را همراه لشگری به شام فرستاد و قیصر روم (هرقل) نیز لشگری به فرماندهی

«قَطْمَه» فرستاد. آنها به مقابل هم رسیدند و پس از درگیری شدید، فارس‌ها بر روم غالب شدند و کفار قریش با شنیدن این خبر خوشحال شدند و در مقابل، مسلمانان ناراحت شدند، تا اینکه خداوند این آیات را نازل کرد: «لَمْ غَلَبَتِ الرُّومُ فِي ادْنَى الْأَرْضِ». «شهربراز» به تدریج در شهرهای آنها پیشرفت می‌کرد و آنها را غارت و چپاول می‌کرد، و زمانی که به خلیج قسطنطنیه رسید، خسرو پرویز هلاک شد و رسیدن خبر آن به لشکر باعث عقب نشینی «شهربراز» و نیروهایش شد و لشکریان روم نیز فرصت را غنیمت شمرده و به تعقیب و کشتار آنها پرداختند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۱: ۱۴؛ همو، ۱۸۷۹م، ۱: ۵۹۵).

۲. در روایتی دیگر، طبری از عطاء خراسانی از عکرمه پس از شرح ماجرای درگیری امپراطوری ایران و روم، چنین نقل می‌کند که خبر مرگ خسرو پرویز در روزی که صلح حدیبیه رخ داده است به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و آن حضرت و یارانش خوشحال شدند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۱: ۱۴-۱۵؛ همو، ۱۸۷۹م، ۱: ۵۹۵-۵۹۶).

این دو خبر بر این نکته اتفاق دارند که اولاً: غلبه رومی‌ها و فارس‌ها به سبب مرگ خسرو پرویز و عقب نشینی «شهربراز» و لشکریانش و هجوم رومی‌ها بر آنها اتفاق افتاده است. ثانیاً: این خبر در روز حدیبیه به رسول الله صلی الله علیه و آله رسید و او و اصحابش از آن خوشحال شدند (ر.ک: یوسفی غروی، ۱۳۹۲، ۲: ۱۲۹).

مفاد این دو خبر موافق با آن چیزی است که طبری از کلبی حکایت می‌کند؛ مبنی بر اینکه بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بیستمین سال پادشاهی خسرو پرویز، و هجرت آن حضرت در سی و سومین سال سلطنت او بوده (طبری، ۱۸۷۹م، ۱: ۵۹۶؛ یوسفی غروی، ۱۳۹۲، ۲: ۱۳۰) و مدت پادشاهی خسرو پرویز ۳۸ سال طول کشید (یوسفی غروی، ۱۳۹۲، ۲: ۱۳۰).

در سند خبر اول، طبری ثقه و صادق است (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۶: ۹۰)، عطاء بن عبدالله خراسانی از کبار علماء و ثقه شمرده شده است (همان، ۵: ۹۳) و یحیی بن یعمر بصری نیز ثقه است (عسقلانی، ۱۳۲۵، ۱۱: ۳۰۵). در سند خبر دوم هم عکرمه، ثقه است (مزی، ۱۴۰۶ق، ۲۰: ۲۸۸-۲۸۹).

لازم به ذکر است که اگر سند این اخبار با منابع رجالی شیعه مورد بررسی قرار بگیرد، اعتبار آن محرز نخواهد بود، زیرا اوصاف عطاء خراسانی (در خبر اول) در منابع رجالی شیعه ذکر نشده است، و عکرمه (در خبر دوم) ضعیف (ر.ک: علامه حلی، ۱۳۴۲: ۴۷۸) و به عنوان فردی که «لیس علی طریقنا و لا من أصحابنا» (همو، ۱۳۸۱: ۳۲۸) معرفی شده و درباره وی توثیقی ذکر نشده است (مامقانی، بی تا، ۲: ۲۵۶).

بر اساس این دو خبر، رومی‌ها در سال ششم هجرت بر ایرانی‌ها پیروز شدند، در حالی که مطابق اخبار ابو سعید خدری پیروزی رومی‌ها در سال دوم هجرت رخ داده است. از این رو، میان این دو دسته از روایات نیز تعارض به وجود می‌آید.

در تعارض میان این دو دسته از اخبار، اگر معیار ارزش گذاری، سند این اخبار باشد، در این صورت بر اساس منابع رجالی اهل سنت، اخبار ابو سعید خدری توانایی معارضه با اخبار دسته دوم را ندارد؛ زیرا این دسته از اخبار حسن هستند و اعتبار خبر حسن مشروط به این است که معارض اقوی وجود نداشته باشد و حال آن که اخبار دسته دوم صحیح است. ولی اگر ملاک ارزش گذاری این اخبار، منابع رجالی شیعه باشد در این صورت هر دو دسته از اخبار از جهت سند ضعیف هستند، اما با این حال قرائت اجماع قراء به ضم «غَلَبَتْ» (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۱: ۱۱؛ فراء، ۱۹۸۰م، ۲: ۳۱۹) سبب ترجیح اخبار دسته دوم می‌شود.

برخی مفسران برای حل تعارض میان این دو دسته از اخبار احتمال داده‌اند که آیات ابتدایی سوره روم دو مرتبه نازل شده باشد؛ یکبار در مکه و بار دیگر در مدینه (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱: ۲۱). این سخن حتی اگر درست باشد، باز در دلالت آیه بر اصل پیشگویی ابهام ایجاد نمی‌شود، زیرا نسبت به نزول در مکه، پیشگویی این آیات ناظر به پیروزی رومی‌ها بر ایرانی‌ها است و در صورت نزول این آیات در مدینه، پیشگویی پیروزی مسلمانان بر رومیان، مدلول آیه خواهد بود (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱: ۲۲)، زیرا در این صورت فعل «غَلَبَتْ» به فتح «لام» یعنی ماضی معلوم خوانده می‌شود و معنای آیه ﴿وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾ چنین می‌شود: «و رومیان بعد از پیروزی شان [بر فارس] به زودی مغلوب [مسلمانان] خواهند شد» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ۱۵۳).

### ۳-۲. ناسازگاری خبر ابهام‌آمیز با شرط قطعیت در اعجاز

**تقریر شبهه:** پیشگویی پیروزی رومیان بر فارس در بازه زمانی بین ۳ تا ۹ سال را نمی‌توان سخن اعجاب‌آمیز دانست، زیرا قطعیت اعجاز اقتضا دارد که پیشگویی آن از جهت زمان دقیق باشد، نه به صورت مبهم و کنایه‌آمیز (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۶۸ و ۱۷۸؛ نیز ر.ک: سها، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۴۴).

**پاسخ شبهه:** در این آیه اصل پیروزی رومیان بر فارس، آن هم در شرایطی که ایرانیان در اوج قدرت، و امپراطوری روم در حال افول بوده، پیشگویی شده است. خبر دادن اصل پیروزی، آن هم در چنین شرایطی خبری است خارق عادت و شگفت انگیز که

نمی‌توان آن را انکار کرد. به خلاف پیش‌بینی وقوع پیروزی کشوری در اوج قدرت که چنین خبری در نگاه عرف، عادی است و سخن شگفت انگیز محسوب نمی‌شود. و اما ذکر زمان دقیق یا تقریبی (بین ۳ تا ۹ سال) حادثه‌ای که برای آگاهی از آن، طریق عادی وجود ندارد، در خارق العاده بودن آن تأثیری ندارد. آری، مطلب قابل بحث این است که چرا خداوند در اخبار از وقوع این حادثه، زمان تقریبی را بیان کرده است. پاسخ آن است که در جنگ‌هایی که به صورت طولانی میان دولت‌های بزرگ در طی سال‌های متمادی رخ می‌دهد، پیروزی هر یک بر دیگری تاریخ قطعی ندارد، بلکه ممکن است در چند مرحله، یکی پیروز شود و دیگری شکست بخورد و یا برعکس، تا سرانجام شکست قطعی برای یکی مسلم شود. و یا حتی ممکن است از زمان تحقق شکست تا پایان جنگ نیز چند سال طول بکشد (شعرانی، ۱۳۸۶: ۸۴). با توجه به آنکه در جنگ‌های میان دولت‌های بزرگ پیروزی و شکست به صورت تدریجی تحقق پیدا می‌کند (ر.ک: کاشانی، ۱۳۶۳، ۷: ۱۸۳)، تاریخ دقیق پیروزی بیان نشده است، چنانچه خداوند در آیه ﴿وَأَرْسَلْنَا إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ﴾ (صافات: ۱۴۷) تعداد افراد را معین نکرده است، زیرا تعداد افراد شهر هیچگاه عدد کامل نیست و گاه کسوری دارد که غرض به ذکر آن تعلق نمی‌گیرد (ر.ک: شعرانی، ۱۳۸۶: ۸۴).

خلاصه اگرچه زمان پیروزی به طور تفصیلی در آیه بیان نشده است، اما پیشگویی اصل پیروزی به همراه تعیین حدودی زمان پیروزی- آن هم مربوط به آینده نزدیک نه آینده دور- می‌تواند مصداق خبر غیبی به شمار رود. از این رو، تعیین حدودی پیروزی رومیان بر فارس میان ۳ تا ۹ سال را نمی‌توان هم‌ارزش جمله: «به زودی» یا «چند سال دیگر» دانست، که شبهه کننده بیان کرده است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۷۸)، زیرا چنین جملاتی انتهای آن نامعلوم است، به خلاف تعبیر «بضع» که از این جهت فاقد ابهام است.

### ۳-۳. پیش‌بینی عادی و نه پیشگویی خارق عادت

**تقریر شبهه:** چنین پیشگویی‌ای چندان دور از نظر هم نیست، زیرا امپراطوری روم در آن زمان یکی از دو قدرت فائقه جهان بود و امکان پیروزی آن در فاصله نزدیک، امرغریبی نبود. به عبارتی، پیشگویی پیروزی روم چیزی از سنخ پیش‌بینی یکی از احتمالات متعده حاصل از ریختن پنج تاس هم‌زمان نبوده تا موجب شگفتی شود، این پیشگویی بیشتر شبیه پیش‌بینی پیروزی یکی از طرفین دموکرات یا جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است که در هر دوره از این انتخابات، توسط کارشناسان فراوانی به درستی انجام می‌پذیرد، یعنی پیش‌بینی‌ای که به طور طبیعی قریب به پنجاه درصد شانس تحقق دارد (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۶۹).

**پاسخ شبهه:** نسبت به جنگ میان رومیان و ایرانیان چند گزینه احتمالی وجود دارد:

۱. پیروزی ایرانی‌ها؛ ۲. پیروزی رومی‌ها؛ ۳. پایان جنگ به صورت صلح؛ ۴. آتش بس؛ ۵. سکوت نظامی؛ یعنی نه آتش بس و نه صلح.<sup>۱</sup> از میان احتمالات مذکور، قرآن احتمال دوم را، آن هم در شرایطی که رومی‌ها پی در پی از ایرانی‌ها شکست می‌خوردند، پیشگویی کرد. پیشگویی وقوع گزینه‌ای که پایین‌ترین درصد احتمال وقوع را دارد، آن هم به همراه ذکر زمان تقریبی آن، خبری است که نمی‌توان شگفت‌انگیز بودن آن را انکار کرد. و اما تشبیه پیشگویی قرآن در آیات مورد بحث، به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، تشبیه باطلی است؛ زیرا:

۱. پیش‌بینی مبتنی بر تحلیل داده‌های حسی است ولی پیشگویی مبتنی بر آگاهی غیبی است. خبر قرآن، از سنخ پیشگویی است که با پیش‌بینی طرف پیروز در انتخابات، تفاوت دارد. آنچه در آیات ابتدایی سوره روم بیان شده، نمی‌تواند پیش‌بینی باشد، زیرا در جنگ میان ایران و روم، رومیان پی در پی از ایرانیان شکست می‌خوردند، و در چنین شرایطی، آنچه که پیش‌بینی می‌شود پیروزی ایرانیان است نه پیروزی رومی‌ها، در حالی که سوره روم پیروزی رومی‌ها را پیشگویی کرده است.

۲. پیشگویی ذکر شده در آیات ابتدایی سوره روم نمی‌تواند از قضایای اتفاقی باشد، زیرا قرآن رویدادهای متعددی را پیشگویی کرده است، که هر کدام در خارج به درستی واقع شده است (معرفت ۱۴۱۰ق، ۶: ۱۸۶-۲۰۹؛ سبحانی، ۱۴۲۱ق، ۳: ۳۷۷-۵۳۴). مطابقت مجموعه آنان با واقع، برای عموم مردم امر عادی نیست، بلکه امری است خارق عادت (آمدی، ۱۴۲۳ق، ۴: ۱۲۴) و تمسک به چنین پیشگویی‌های صادق، انسان را به مرزی از اطمینان می‌رساند که آنچه در آیات ۲ تا ۴ سوره روم ذکر شده است، نمی‌تواند به طور اتفاقی مطابق با واقع باشد، بلکه مبتنی بر اخبار غیبی و اتصال با عالم ملکوت است. برخی از آیات مربوط به این رویدادها در ادامه بیان می‌شود:

الف) آیه ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ﴾ (قصص: ۸۵) که هنگام ترک مکه و هجرت به مدینه، بازگشت پیروزمندانه پیامبر اکرم ﷺ به شهر مکه را پیشگویی می‌کند (ر.ک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۹: ۳۰۲۶؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۳: ۳۵۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۳: ۳۲۰). این بازگشت، در سال هشتم هجرت تحقق یافت (ر.ک: یوسفی غروی، ۱۳۹۲، ۵: ۱۹۲).

ب) آیه ﴿سَيَهْرُمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ﴾ (قمر: ۴۵) که شکست کفار قریش در جنگ بدر را پیشگویی کرد. سوره قمر پیش از هجرت در مکه نازل شده است (طوسی، بی‌تا، ۹:

۱. دو احتمال آخر به احتمال سوم برگشت می‌کند، اگر چه می‌توان میان آنان با تفاوت بسیار جزئی، تفکیک کرد.

۴۴۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹: ۵۵) و پیروزی مسلمانان در جنگ بدر در سال دوم هجرت، مصادف با شانزدهم ماه مبارک رمضان واقع شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۵-۱۹؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۳). مستشکل معتقد است این آیه می‌تواند صرفاً بیانات یک رهبر سیاسی- نظامی برای تقویت روحیه سپاهیان خود باشد (ر.ک: میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۵۲)، اما چنین معنایی خلاف ظهور آیه و فاقد قرینه است.

ج) آیه ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ (کوثر: ۱) که کثرت نسل پیامبر اکرم ﷺ را پیشگویی کرده است. کوثر به معنای خیر فراوان است (طوسی، بی‌تا، ۱۰: ۴۱۷) و با توجه به ذیل آیه که خداوند دشمن پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان نسل بریده و ناقص معرفی می‌کند: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ (کوثر: ۳)، روشن می‌شود که مصداق کوثر به قرینه سیاق، کثرت نسل است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۰: ۳۷۰). فراوانی سادات در کشورهای مختلف اسلامی گواه بر تحقق این پیشگویی است. در قرن هشتم هجری جمعیت سادات و فرزندان حضرت زهرا (س) پس از سرشماری به بیست هزار نفر تخمین زده شد و در زمان سلطان سلیم عثمانی شماره آن‌ها به ۱۹ میلیون رسید (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ۱۲: ۳۸۰).

### ۳-۴. انکار ملازمه میان خبر دادن از غیب و اعجاز

**تقریر شبهه:** میان پیشگویی و اعجاز تلازمی وجود ندارد، و نمی‌توان پیشگویی را مصداق اعجاز دانست، زیرا افراد دیگری همچون متخصصان علوم غریبه و فالگیرها نیز می‌توانند از آینده خبر داده و حوادثی را به درستی پیشگویی کنند. با توجه به شیوع چنین امری و توانایی انسان‌های عادی بر انجام آن، نمی‌توان پیشگویی را خارق عادت دانست و آن را معجزه و نشانه نبوت تلقی کرد (ر.ک: میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۷۷-۱۷۸).

**پاسخ شبهه:** در اینجا سخن از کسی نیست که صرفاً یک پیشگویی انجام داده، بلکه در باره کسی است که همراه با پیشگویی، ادعای منصبی الهی (در اینجا: نبوت) دارد؛ یعنی مدعی است که با عنایت خاص الهی و از طریق وحی و ارتباط با خدا- که راهی غیر محسوس و خارق العاده است- معارفی را آورده که حس، دل و فکر بدان راه ندارد. صدق پیشگویی چنین فردی قطعاً مصداق معجزه، و نشانه صدق ادعای نبوت خواهد بود؛ زیرا دادن اذن تکوینی خاص (در آوردن معجزه) به شخص کاذب (در ادعای نبوت)، سبب گمراهی مردم خواهد شد، و با توجه به «قاعده قبح اضلال بندگان»، چنین اذنی از سوی خداوند حکیم قطعاً به شخص دروغگو داده نمی‌شود. بنابراین، پیشگویی اگر به همراه ادعای منصب الهی باشد، علاوه بر اینکه خارق عادت است، معجزه هم خواهد بود و بین این‌دو، ملازمه برقرار است.

به همین، دلیل حضرت عیسی علیه السلام در مواجهه با مردم بنی اسرائیل، خبر دادن از آنچه که خوردند و در خانه ذخیره کردند را به عنوان آیه و نشانه رسالت خود معرفی کرده است: ﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ .... أُنْسِكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخُلُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۴۹). هرچند خبر غیبی حضرت عیسی علیه السلام مربوط به گذشته و حال است، ولی خللی به وجه تأیید آن نسبت به دلالت پیشگویی بر ادعای منصب الهی وارد نمی‌شود.

### نتیجه گیری

آیات ۲ تا ۴ سوره روم یکی از مصادیق اعجاز غیبی قرآن به شمار می‌رود. بر اساس این آیات، خداوند در سال ۶۲۰ میلادی؛ مصادف با سال دوازدهم بعثت، پیروزی رومی‌ها را پیشگویی کرد و این خبر در سال ۶۲۹ میلادی مصادف با فتح مکه تحقق پیدا کرد. چنین خبری خارق عادت است و صدق این خبر نمی‌تواند به طور اتفاقی باشد، زیرا در قرآن پیشگویی‌های فراوانی وجود دارد که به درستی محقق شده است، و تعدد پیشگویی‌های صادق، نمی‌تواند اتفاقی باشد، بلکه ریشه در ارتباط با عالم غیب دارد و خداوند رسولان خود را از غیب آگاه می‌کند. با توجه به ادعای نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین پیشگویی معجزه است و بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دلالت می‌کند و شبهاتی که در باره این آیات از طرف برخی نویسندگان وارد شده، فاقد استحکام، و مردود است.



## فهرست منابع

١. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، بی تا، *الجرح و التعديل*، هند، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية.
٢. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، ١٤١٩ق، *تفسير القرآن العظيم*، رياض، انتشارات نزار مصطفى الباز.
٣. ابن حبان، محمد بن حبان، ١٣٩٣ق، *الثقات*، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية.
٤. ابن حنبل، احمد، ١٤١٦ق، *المسند*، شارح: احمد محمد شاكر، قاهره، دار الحديث.
٥. ابن سعد، محمد بن سعد، ١٤١٠ق، *الطبقات الكبرى*، بيروت، دار الكتب العلمية.
٦. ابن عاشور، محمد طاهر، ١٤٢٠ق، *تفسير التحرير والتنوير*، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي.
٧. ابن عبد البر، ابو عمر يوسف بن عبدالله، ١٤١٢ق، *الاستيعاب في معرفة الاصحاب*، بيروت، تحقيق: على عبد البارى عطية، بيروت، دار الجيل.
٨. ابن عدی، عبد الله بن عدی، ١٤٠٩ق، *الكامل في ضعفاء الرجال*، محقق: غزاوی، يحيى مختار، بيروت، دار الفكر.
٩. ابن فارس، احمد، ١٤٠٤ق، *معجم مقاييس اللغة*، عبدالسلام هارون، قم، مكتبة الاعلام الاسلامي.
١٠. ابوحیان، محمد بن يوسف، ١٤٢٠ق، *البحر المحيط في التفسير*، تحقيق: محمد جميل صدوقی، بيروت، دار الفكر.
١١. آلوسی، محمد بن عبد الله، ١٤١٥ق، *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني*، تحقيق: على عبد البارى عطية، بيروت، دار الكتب العلمية.
١٢. آمدی، سيف الدين، ١٤٢٣ق، *ابكار الافكار في اصول الدين*، تحقيق: احمد محمد مهدي، قاهره، دار الكتب.
١٣. بلاغی، محمد جواد، بی تا، *آلاء الرحمن في تفسير القرآن*، قم، وجدانی.
١٤. بیضاوی، عبد الله، ١٤١٨ق، *انوار التنزيل واسرار التأویل*، محمد عبد الرحمن مرعشلی، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
١٥. ترمذی، محمد بن عیسی، ١٤١٩ق، *الجامع الصحيح*، قاهره، دار الحديث.
١٦. جوادى آملی، عبد الله، ١٣٨٧ش، *تفسير تسنیم*، جلد ١٤، قم، اسراء.
١٧. جوادى آملی، عبد الله، ١٣٩٥ش، *تفسير تسنیم*، جلد ٣٧، قم، اسراء.
١٨. جوادى آملی، عبد الله، ١٣٩٩ش، *تفسير تسنیم*، جلد ٥٠، قم، اسراء.
١٩. حلبی، تقی الدين، ١٤٠٤ق، *تقريب المعارف*، قم، الهادی.
٢٠. خطیب بغدادی، احمد بن علی، ١٤١٧ق، *تاريخ بغداد*، تحقيق: عبد القادر عطا مصطفى، بيروت، دار الكتب العلمية.

۲۱. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۴ق، **سیر أعلام النبلاء**، تحقق: شعيب ارنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۲۲. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ق، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، بيروت، دار الكتب العلمية.
۲۳. راغب، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **مفردات الفاظ القرآن**، بيروت، دار القلم.
۲۴. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۵ش، **ابضاح المراد**، قم، رائد.
۲۵. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۴۰۴ق [الف]، **حجج بالغات؛ شرح کتاب المراجعات و پاسخ به شبهات**، قم، رائد.
۲۶. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۴۰۴ق [ب]، **علم و دین**، قم، رائد.
۲۷. رضایی، حسین و معارف، مجید، ۱۴۰۱ق، **رویکرد شبهه پژوهانه به تفسیر تاریخی آیات مربوط به پیشگویی غلبه روم برابر ایران**، علوم قرآن و حدیث، شماره ۵۵، صص ۳۶۷-۳۸۲.
۲۸. زمخشری، محمد بن عمر، ۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل**، تحقیق: حسین احمد مصطفی، بيروت، دار الكتاب العربی.
۲۹. زیدان، جرجی، ۱۹۱۴م، **تاریخ التمدن الاسلامی**، بيروت، دار مكتبة الحياة.
۳۰. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۱ق، **الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل**، قم، المركز العالمی للدرسات السلامیة.
۳۱. سهلا، ۱۳۹۱ش، **نقد قرآن**، بی جا، بی نا.
۳۲. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، ۴۲۱ق، **الاتقان فی علوم القرآن**، تحقیق: فؤاد احمد زمرلی، لبنان، دار الكتاب العربی.
۳۳. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، ۴۲۴ق، **تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی**، تحقیق: احمد عمر هاشم، بيروت، دار الكتاب العربی.
۳۴. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، بی تا، **لباب النقول فی اسباب النزول**، تصحیح: احمد عبد الشافی، لبنان، دار الكتب العلمية.
۳۵. شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۸۶ش، **راه سعادت**، تصحیح: حامد فدوی اردستانی، تهران، مرتضوی.
۳۶. شیخ طوسی، بی تا، **التبیین فی تفسیر القرآن**، احمد حبیب عاملی، بيروت، دار احیاء تراث العربی.
۳۷. شیخ مفید، محمد بن نعمان، ۴۱۳ق، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۸. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بيروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: سید فضل الله یزدی طباطبایی و سید هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو.
۴۰. طبری، محمد بن جریر، ۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بيروت، دار المعرفة.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، ۱۸۷۹م، **تاریخ طبری**، بی جا، بمطبعة بریل.

۴۲. عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۱ق، **تقریب التهذیب**، تصحیح: محمد عوامه، حلب، دار الرشید.
۴۳. عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۲۶ق، **تهذیب التهذیب**، هند، مطبعة دائرة المعارف النظامية.
۴۴. علامه حلی، حسن بن علی، ۱۳۴۲ش، **الرجال**، تصحیح: محمد کاظم میاموی، تهران، دانشگاه تهران.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۸۱ش، **ترتیب خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال**، مشهد، آستان قدس رضوی.
۴۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۸۲ش، **کشف المراد**، تعلیقات: آیت الله سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۴۷. غزالی، محمد، ۴۲۷ق، **فقه السيرة**، دمشق، دار القلم.
۴۸. فخر رازی، محمد، ۴۲۰ق، **التفسير الكبير**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۹. فراء، یحیی بن زیاد، ۹۸۰م، **معانی القرآن**، تحقیق: محمد علی نجار، احمد یوسف نجاتی، قاهره، الھیئة المصرية العامة للكتاب.
۵۰. قرطبی، محمد، ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران، ناصر خسرو.
۵۱. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، **تفسیر القمی**، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب.
۵۲. کاشانی، فتح الله، ۱۳۶۳ش، **خلاصة المنهج**، تعلیقات: ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه.
۵۳. مامقانی، عبدالله، بی تا، **تنقیح المقال فی علم الرجال**، بی جا، بی نا.
۵۴. مزّی، یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف، ۱۴۰۶ق، **تهذیب الکمال فی اسماء الرجال**، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۵۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲ش، **آشنایی با قرآن**، قم، صدرا.
۵۶. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۰ق، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۵۷. مقاتل، ابن سلیمان بن بشیر، ۴۲۳ق، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، محقق: عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
۵۸. میرباقری، محمدعلی، ۱۳۹۸ش، **رساله انتقادی در باب اعجاز قرآن**، بی جا.
۵۹. یوسفی غروی، محمد هادی، ۱۳۹۲ش، **تاریخ تحقیقی اسلام**، ترجمه: حسینعلی عربی، قم، مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (ع).

60. Dabrowa, 1994, The official history of Heraclius' Persian campaigns" in ,The Roman And byzantine Army in the East, pp: 57-87.
61. Gibbon, Edward, 1838, The History of the Decline and Fall of the Roman Empire, Volume 8, University of Chicago.